

رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته (مورد مطالعه: شهروندان گرگان)

فرشته بادی

دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران

غلامرضا خوش فر^۱

عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گلستان، گلستان، ایران

علیرضا اسماعیلی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران

صدیقه امینیان

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

چکیده

سرمایه اجتماعی به یکی از مهمترین مباحث مطرح در میان اندیشمندان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی در چند دهه اخیر تبدیل شده است. هدف این پژوهش شناسایی تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر گرایش به مدرنیته در شهر گرگان می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی بوده، داده‌ها به روش میدانی جمع‌آوری شده، جامعه آماری شامل شهروندان ساکن شهر گرگان بود که تعداد ۴۰۱ نفر از آنها به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بود که اعتبار آن به واسطه اعتبار صوری و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۷۹) مورد تأیید قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌ها از تکنیک‌ها و روش‌های آماری پیشرفته متناسب با سطح سنجش متغیرها استفاده شد. نتایج نشان داد که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته در بین شهروندان گرگان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش به مدرنیته بیش از سرمایه اقتصادی است. انسجام مهمترین مؤلفه در سرمایه اجتماعی و رابطه‌گرایی مهم ترین بُعد در مدرنیته است. بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن (اعتماد، مشارکت، امنیت، انسجام) با گرایش به مدرنیته رابطه معنی دار وجود دارد. متغیر مشارکت تأثیر معکوس بر روی مدرنیته دارد، بین اقسام سرمایه اجتماعی (شناختی و ساختاری) با گرایش به مدرنیته رابطه معنی داری وجود دارد و سرمایه اجتماعی ساختاری عامل مهمتری در تغییرات مدرنیته است. همچنین بین متغیرهای جنسیت (مردان)، سطح تحصیلات، قومیت و شغل با گرایش به مدرنیته رابطه معناداری وجود دارد، در حالی که بین مذهب با گرایش به مدرنیته، رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی - اقتصادی، مدرنیته، شهروندان گرگان

^۱ -نویسنده مسئول: khoshfar@gmail.com

مقدمه:

همان‌طور که می‌دانیم دنیای معاصر دچار بحران‌ها و مسائل گوناگونی است، اما به تعبیر آنتونی گیدنز یکی از ویژگی‌های بنیادین دنیای مدرن که به آن امکان‌بازسازی و رهایی از این بحران‌ها را می‌دهد توانایی بازاندیشی است، از نظر گیدنز مهار چرخ‌گردونه مدرنیته رها است و امنیت هستی‌شناختی انسان معاصر به شدت کاهش یافته است. که اندیشمندان اجتماعی یکی از راه‌های برون‌رفت از این دسته مشکلات را در افزایش شبکه‌های ارتباطی، افزایش مشارکت عمومی و غیررسمی، افزایش اعتماد و بهبود سرمایه اجتماعی و اقتصادی می‌بیند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۶۸-۷۷۱). سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و شبکه‌های تعاملی که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی گروه را در دست‌یابی به برخی اهداف خود بهبود بخشد. نقش چشمگیر سرمایه اجتماعی و نحوه حضور آن در زندگی کنشگران اجتماعی بعنوان راه‌حلی برای مشکل تولید کالاها عمومی، توجه بسیاری از جامعه‌شناسان از جمله جیمز کلمن، پیر بوردیو، راپرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما را به خود جلب کرده است. دغدغه تنزل روابط اجتماعی از جمله موضوعاتی است که به کرات در جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر به چشم می‌خورد. شاید بتوان به تعبیری گفت که تولد جامعه‌شناسی معلول نگرانی مربوط به روند رو به تنزل روابط اجتماعی در نتیجه صنعتی‌شدن و آغاز مدرنیته بوده است. پس زندگی جمعی و پیوندهای فعال و پویا میان اعضای اجتماع می‌تواند موجبات رفاه و خوشبختی جامعه را فراهم نماید که این پیوندها را با عنوان سرمایه‌ی اجتماعی می‌شناسند (شارع‌پور، ۱۳۷۹: ۱۶-۱۵).

فرایند نوسازی منجر به ورود تکنولوژی‌ها و صنعت غربی به این کشورها شده و به سرعت جایگزین شیوه‌های تولید و اداره این جوامع گردیده است. اما فرهنگ، طرز تفکر و ایدئولوژی متناسب با این پیشرفت‌ها که بوجود آورنده جریان نوگرایی است، با نظام فرهنگی و ارزش‌سنجی این جوامع برخورد می‌کند و به راحتی نمی‌تواند جایگزین شیوه‌های فکری سنتی گردد. بشیریه در تعریف خود از نوگرایی بر این امر تأکید می‌کند، وی می‌گوید: نوگرایی بیان نوعی بینش مبتنی بر اصالت عناصر مدرنیته است و زمینه‌تئوریک و ذهنی تمام اقدامات عملی جوامع دور از تجدد غربی را برای تحقق تجدد فراهم می‌آورد و همچنین می‌توان عناصر نوگرایی یا مدرنیته را به چهار حوزه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دسته‌بندی کرد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۶۹). از نظر

جهانبگلو "مدرنیته، فرآیندی اجتناب ناپذیر و پدیده ای جهان شمول می داند که اکنون تمام جهان را فراگرفته است؛ زیرا بنظر وی هر جامعه از لحظه ای که سنت ها را به منزله ی یک مدل در زندگی روزمره ی خود نمی پذیرد، جنبش مدرنیته در ضمیر و تفکرش راه می یابد. او مدرنیته را جستجوی دائمی عقلانیت، خود مختاری سیاسی و حاکمیت فرد می داند. از نظر گیدنز چهار نهاد بنیادی وجود دارد که مدرنیته بر آنها مبتنی است؛ اولین نهاد، سرمایه داری است که ویژگی های آن تولید کالایی، مالکیت خصوصی سرمایه، کار دستمزدی فاقد مالکیت و نظام طبقاتی مبتنی بر این ویژگی هاست. صنعت گرایی، ظرفیت های دیده بانی و قدرت نظام یا نظارت بر ابزارهای خشونت و صنعتی شدن جنگ از دیگر نهادهای بنیادی مدرنیته محسوب می شود. همچنین گیدنز بر این نظر است که مدرنیته با سه جنبه ی اساسی همچنان به حیات خود ادامه می دهد. از دیدگاه گیدنز سه جنبه ی اساسی مدرنیته عبارتند از: فاصله گیری زمان و مکان، ازجاکنندگی یا بی ریشگی و قدرت بازاندیشی (گیدنز، ۱۳۹۰: ۴).

بیان اهمیت موضوع تحقیق، باید بتواند اهمیت و ارزش تحقیق را نسبت به نظریه های موجود، به اثبات برساند. اغلب پژوهشگران در مطالعات خود، متوجه جای خالی موضوعی می شوند و تحقیق مزبور باید این کمبود را جبران کند. از این رو، نتایج حاصل از تحقیق، می تواند موجب گسترش تئوری های پیشین گردد. بنابراین گاهی موضوعاتی مهم هستند؛ اما ضروری نیستند. با عنایت به نقش سرمایه در دگرگونی و تحول و گرایش مردم نسبت به مدرنیته، این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که: آیا بین مولفه های سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته در بین شهروندان گرگان رابطه وجود دارد؟ به عبارت دیگر با افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی و مؤلفه های آن در میان شهروندان گرگان، گرایش نسبت به مدرنیته چه میزان تغییر می کند؟

هدف کلی از انجام این تحقیق، شناخت رابطه سرمایه اجتماعی گرایش به مدرنیته در بین شهروندان ساکن در شهر گرگان است. اهداف جزئی به شرح زیر می باشند:

- شناخت رابطه بین سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته
- شناخت رابطه بین اعتماد اجتماعی و گرایش به مدرنیته
- شناخت رابطه بین انسجام اجتماعی و گرایش به مدرنیته
- شناخت رابطه بین مشارکت اجتماعی و گرایش به مدرنیته

- شناخت رابطه بین امنیت اجتماعی و گرایش به مدرنیته
 - شناسایی رابطه تحصیلات و سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته
 - شناسایی رابطه جنس و سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته
 - شناخت رابطه بین سرمایه اجتماعی شناختی و گرایش به مدرنیته
 - شناخت رابطه بین سرمایه اجتماعی ساختاری و گرایش به مدرنیته
- تحقیقات انجام گرفته در حوزه مدرنیته، تجددگرایی یا گرایش به زندگی مدرن نشان داده که مطالعات در این حوزه غالباً فاقد چارچوب نظری متقن و مشخصی برای تبیین مفاهیم و متغیرهای مورد بررسی بوده‌اند. همچنین، در بیشتر مطالعات صورت گرفته به نوع التقاط میان مفهوم مدرنیته به صورت یک مفهوم جامع و کلی و زیرمؤلفه‌های آن مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، مفهوم مدرنیته که مفهومی چند بعدی و جامع است در مطالعات صورت گرفته یا یک یا چند مؤلفه اندک تقلیل یافته است. همچنین، مطالعات صورت گرفته بیشتر به رابطه میان مدرنیته و تاثیر سرمایه و وضعیت اجتماعی هر طبقه از اجتماع یا افراد را به عنوان عاملی موثر مورد توجه قرار دهند. همچنین، هیچ یک از مطالعات انجام شده از مقیاس‌های تایید شده و معتبر برای ارزیابی همبستگی میان متغیرها استفاده نکرده‌اند. در ادامه به تعدادی از مطالعات پیشین پرداخته شده است. رسول زاده و دیگران (۱۳۹۵) رابطه معنادار معکوس بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی (اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای) و گرایش به فرزندآوری عدم وجود رابطه معنادار بین استفاده از رسانه‌های داخلی و سبک زندگی سنتی با گرایش به فرزندآوری رابطه معنادار معکوس بین سبک زندگی مدرن و گرایش به فرزندآوری. غیاث‌آبادی و دیگران (۱۳۹۶) رابطه معنادار میان برخی مولفه‌های تجددگرایی با برخی ویژگی‌های اخلاقی وجود دارد. امامی و دیگران (۱۳۹۷) نتایج نشان داد که بین مدرنیته و خانواده‌گرایی رابطه معنی دار وجود دارد. بین عقلانیت و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد. بین فردگرایی و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد. و بین نگرش به اشتغال زنان و خانواده‌گرایی رابطه وجود دارد. وثوقی و دیگران (۱۳۹۷) یافته‌ها نشان می‌دهد حداکثر ۱۳ درصد از جامعه مورد بررسی گرایش زیادی به تجدد دارند. در مجموع وضعیت اخلاقی دچار ضعف‌های جدی در نوع دوستی است به طوری که تنها ۲ درصد از جامعه‌ی مورد بررسی فعالیت جدی در سازمانها و نهادهای انسان‌دوستانه دارند و همچنین تساهل و

تحمل کمی نسبت به سایر اقوام مختلف به عنوان همسایه در شهر مشهد وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد تئوری مدرنیته بومی برای توضیح وضعیت اخلاق شهروندان جامعه مورد بررسی مناسب تر است. هاشم زهی و اصغری (۱۳۹۸) رابطه مستقیم و مثبت میان جهانی شدن و تاثیر غیرمستقیم و معنادار میان جهانی شدن زندگی اقتصادی وجود دارد. سیراج^۱ (۲۰۱۸) استفاده از اینترنت بر جوانان تاثیر می گذارد و منجر به ازجاکنندگی فیزیکی آنها از سرمایه اجتماعی می شود، اما از طرف دیگر کاربران از نظر مجازی به جامعه نزدیک می شوند. دیگر تأثیرات استفاده از اینترنت بر عدم علاقه به توسعه ملی، امور خانواده و امور جامعه است. استنهاردت^۲ (۲۰۲۰) در حالی که اعتماد به اعضای خانواده و اعتماد خاص فراتر از خانواده تحت تأثیر سطوح تجددگرایی منطقه ای نبودند، یافته ها نشان داد که تجددگرایی منطقه ای به طور قابل توجهی با سطح بالاتری از اعتماد عمومی همراه است. که از طریق تأثیر زمینه ای سکونت در محیط های اجتماعی مدرن تر ایجاد می شود. به طور کلی، این یافته ها از تاثیر مثبت تجددگرایی حمایت کرده است.

باتوجه به نقائص مطرح شده و خلاء موجود تحقیقاتی، تحقیق حاضر به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته، با تکیه بر نظریات جامعه شناختی معتبر و مقیاس های معتبر اندازه گیری این متغیرها می پردازد. از دید بوردیو، سرمایه همان کار انباشته شده در صورت مادی است که در هنگام تخصیص به شکل خصوصی از سوی عاملان یا گروهی از عاملان، آنها را قادر می سازد تا انرژی اجتماعی را به شکل کار زنده یا تازه به خود تخصیص می دهند. سرمایه نیرویی حکم شده در ساختارهای عینی یا ذهنی، و نیز اصل زیربنای قاعده های ماندگار جهان اجتماعی است. سرمایه است که بازی های جامعه- و نه تنها بازی های اقتصادی- را به چیزی فراتر از بازی های ساده تغییر تبدیل می کند. سرمایه در شکل عینی و یا مجسم شده اش، برای تجمیع نیاز به زمان دارد و به عنوان ظرفیت بالقوه برای تولید سود و بازتولید خود به شکل تعمیم یافته یا همسان، مشمول تمایل به تداوم وجود است و نیروی ای است ثبت شده در عینیت چیزها بگونه ای که هیچ چیزی به یکسان ممکن یا غیرممکن نیست. همچنین ساختار توزیع انواع سرمایه در یک برهه از زمان نشانگر ساختار ذاتی جهان اجتماعی، یعنی مجموعه ای از محدودیت های جهان واقعی است که شانس موفقیت برای عمل را تعیین می کند. بنابراین، درک ساختار و کارکرد جهان اجتماعی

¹ Siraj

² Steinhart & Delhey

مگر با باز معرفی سرمایه در همه اشکال آن و نه تنها در شکل اقتصادی‌اش، ممکن نیست (بورديو، ۱۹۸۶). سرمایه اجتماعی، بر اساس تعهدات اجتماعی یا ارتباطات شکل می‌گیرد. چنین سرمایه‌ای ممکن است تحت شرایطی به سرمایه اقتصادی تبدیل می‌شود. سرمایه اجتماعی ممکن است به صورت عناوین اجتماعی، به عنوان مثال نام خانوادگی یا عناوین اشرافی نهادینه شود (بورديو، ۱۹۸۶). این شکل از سرمایه شامل سطوح روابط اجتماعی فرد، میزان اعتماد اجتماعی، روابط متقابل با سایر اعضای خانواده و گروه‌های اجتماعی می‌شود (راب استونز، ۱۳۸۷). گرایش به مدرنیته^۱ در تاریخچه جامعه‌شناسی، همیشه بحث‌هایی درباره مفهوم «مدرنیته» مطرح شده‌است. پیش از همه، مدرنیته به عنوان مرحله‌ای نوین از توسعه اجتماعی و فرهنگی در جامعه، درک و تعریف شده‌است. گیدنز در بحث درباره پیامدهای مدرنیته بر درک گسست میان نهادهای اجتماعی مدرن و سازمان‌های سنتی به عنوان ضرورتی برای شناخت دنیای مدرن تاکید داشت. از نظر او این نوع گسست یک نوع خاص فاقد ماهیت مارکسیستی است و دارای سه ویژگی شتاب، پهنه و موج تحول است. شتاب نیروی محرکه عصر مدرنیته است که یکی از نمودهای مشهودش پیشرفت تکنولوژیک است. پهنه دگرگونی سراسر دنیا است که موج‌های تحول آن را فراگرفته‌اند. مقیاس‌های متعددی برای اندازه‌گیری گرایش به مدرنیته به عنوان پدیده‌ای جامعه‌شناختی و رایج در عصر کنونی ارائه و پیشنهاد شده‌اند. علی‌رغم ماهیت چند بعدی مدرنیته مولفه‌های مختلفی برای ارزیابی این مفهوم مطرح شده‌اند (اینکلز، ۱۹۷۶).

صنعتی شدن مفهوم دیگری است که اغلب با مدرنیته و گرایش به آن هم معنی و همسو تلقی می‌شود. با این حال، صنعتی شدن همراه با مدرنیته در سطح اجتماعی، بویژه از لحاظ توسعه و رشد اقتصادی روی می‌دهد و نه در سطح باورهای سنتی، به عنوان مثال برخی جوامع بسیار صنعتی شده مانند ایالات متحده هنوز مردمی با تفکرات و باورهای سنتی دارند. بنابراین، صنعتی شدن نمی‌تواند وجه تمایز گرایش به مدرنیته و سنت باشد (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰). در این راستا نظریات و تئوری‌هایی مطرح شده‌اند که از ابزارهای نظری و روش‌شناختی مختلفی برای تبیین مدرنیته استفاده کرده‌اند. بر این اساس جامعه‌شناسان برجسته بسیاری به ارائه نظریه‌هایی در باب مدرنیته پرداخته‌اند. مدرنیته به شکل امروزی از سوی گیدنز تحت عنوان «مدرنیته رادیکال شده»^۱ تعریف

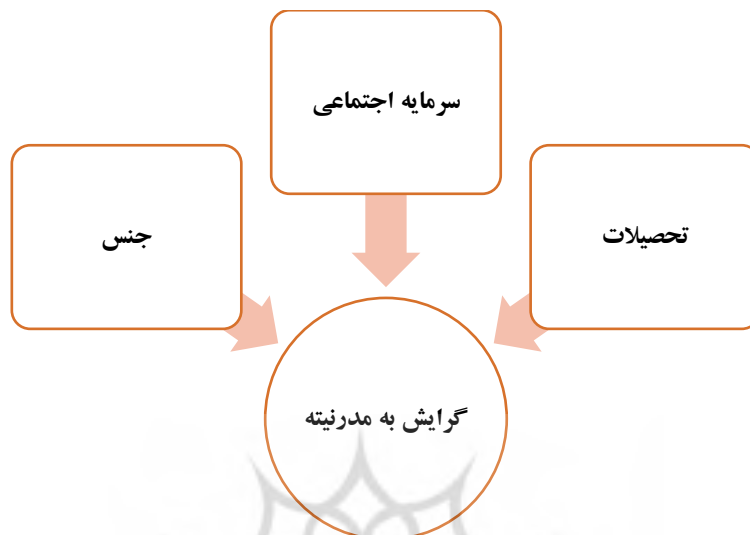
^۱ Radicalized Modernity

شده است که از یک سوی با تعریف رایج از مدرنیته در تضاد است. از دیگر سوی، او مدرنیته را تحت عنوان مجموعه‌ای از شرایط می‌داند که طبق آن گسست و پراکنندگی ایجاد شده در ساختارهای نهادی و سنتی منجر به تمایل عمیق به ادغام جهانی می‌گردد (کراونچکو^۱، ۲۰۰۸).

بوردیو با ارائه تحلیلی ساختاری، گروه‌های اجتماعی را در یک فضای چند بعدی پیچیده در نظر گرفته و الگویی که برخی رفتارهای ظاهرا متفاوت را در واقع متفاوت می‌نمایاند رد می‌کند. از نظر بوردیو جامعه بصورت فضای اجتماعی بازنمایی می‌شود. این فضای اجتماعی که جایگاه رقابتی شدید و نامحدودی دارد که جریان این رقابت‌ها تفاوت‌هایی ظهور می‌کند که ماده و چهارچوب لازم برای هستی اجتماعی را فراهم می‌آورند. در حقیقت بوردیو به دنبال تحلیل رابطه بین شبکه روابط اجتماعی، امکانات یا منش‌ها و موضع‌گیری‌ها یا انتخاب‌های عاملان اجتماعی در عرصه‌های متنوع رفتاری است. از نظر بوردیو، اصول متمایزکننده مهم در فضای اجتماعی به عنوان یکی از محورهای اصلی نظام اجتماعی، مجموعه سرمایه‌هایی است، که فرد در اختیار دارد. او همچنین ذائقه و ساختار اجتماعی را مرتبط می‌داند. ساختار اجتماعی به معنای روابط اجتماعی‌ای هستند که میان عاملان اجتماعی با قدرت‌های نابرابر به وجود می‌آیند و هدف آنها تداوم و بازتولید حاکمیت و استیلا در درون میدان‌ها است. ذائقه نیز به انتخاب‌های فرهنگی یا به عبارتی به برداشت‌ها و ارزیابی‌های زیبا شناختی‌ای اطلاق می‌شود که بازتاب ساختارهای حاکمیت در منش‌ها هستند. از نظر بوردیو، شیوه زندگی بیش از هر چیز در ذائقه بازنمایی شده و باعث تمایز میان عاملان اجتماعی و به دنبال آن مرزبندی‌ها و تمایزها در جامعه می‌شود (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۴). عادت‌واره قالبی اکتسابی است و با موقعیت در رابطه است. به عبارت ساده‌تر، افرادی که در معرض تجارب مشابه قرار می‌گیرند و از لحاظ تجارب باهم رابطه دارند، سبک زندگی یا عادت‌واره مشترک و مشابه‌ای دارند. با این همه هر فرد گونه خاص و منحصر به فردی از عادت‌واره و قالب را نیز در اختیار دارد و براساس آن عملی می‌کند عادت‌واره محصول شرایط ساختاری اجتماعی فرد کنشگر است و اعمال اجتماعی او را طوری سازماندهی کرده و ساختاربندی می‌کند که شرایط عینی موجودیت اجتماعی را باز تولید می‌کند. به عبارت دیگر، افرادی دارای موقعیت ساختاری و طبقاتی مشترک تجربه‌های مشابه و

¹ Kravchenko

مکرری دارند منجر به شکل‌گیری عادت واره مشترک می‌شوند، که این عادت واره در عوض به اعمال اجتماعی آنان ساختار بخشیده و دستورالعمل‌هایی را تنظیم و اعمال کنشگران را محدود می‌سازد (استونز، ۱۳۸۷). موقعیت فرد در فضای اجتماعی نه تنها محرک‌های خارجی در معرض و در نتیجه سطح (میدان عمل)، بلکه نوع آن تعامل با سایر ساختارها (میدان نبرد) را نیز تعیین می‌کند. از نظر بوردیو، عادت واره «مجموعه‌ای از خلق و خوهای فراهم آمده در شخصیت کنشگر است که نحوه‌ی مواجهه‌ی او با موقعیت‌های مختلف را جهت می‌بخشد» (بوردیو، ۲۰۰۳). به اعتقاد بوردیو عادت واره‌ها و الگوهای رفتاری فرد تحت تأثیر منش ناشی از تملک انواع سرمایه، شکل می‌گیرند. طبق نظریه بوردیو همه اقدامات بر مبنای تبدیل و انتقال سرمایه است. بنابراین، به نظر می‌رسد که همه عمل‌های اجتماعی، اقتصادی هستند، و بوردیو این امر را حتی اگر از لحاظ اجتماعی شناخته نشده باشد، تصدیق کرده‌است. همه عمل‌ها را نمی‌توان به مبادله تجاری تقلیل داد، زیرا طبق نظریه بوردیو، مبادله تجاری فقط یک شکل از مبادله است. تبدیل و انتقال انواع سرمایه در نظریه بوردیو نشان می‌دهد که چگونه تبادل بر حجم و ترکیب سرمایه تأثیر می‌گذارد، که در عوض بر منش عامل یا مکان در فضای اجتماعی تأثیر می‌گذارد (بوردیو، ۱۹۸۶). در جمع‌بندی مباحث اصلی مرتبط با موضوع و سوابق تحقیق انتظار می‌رود تا بر اساس نتیجه این پژوهش به بهبود کارآیی، فواید و کارکردهای آشکار و پنهان سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن بعنوان عامل مهم و مؤثر در تغییرات مدرنیته پرداخته شود. با توجه به جایگاه و نقش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در کاهش یا افزایش گرایش مردم نسبت به مدرنیته، تلاش گردید تا این موضوع در بین شهروندان گرگان مورد بررسی و مطالعه علمی قرار گیرد، تا بتواند خلاءهای تحقیق‌های پیشین را مرتفع نمود. گرایش به غرب مولفه دیگری است که اغلب به عنوان یکی از ویژگیها و نمادهای گرایش به مدرنیته تلقی می‌شود اما یکی از شاخص‌های اصلی غرب‌گرایی تغییر عادات و رفتار از جمله اولویت‌های زبانی فرد است. سازگاری به فرهنگ نیز یکی از مشخصه‌های متمایزکننده گرایش به مدرنیته از سنت تلقی می‌شود که انتخابی، داوطلبانه و دو سویه است و رابطه‌نسیبی با گرایش به مدرنیته دارد، اجتماعی شدن و پذیرش اجتماعی نیز یکی از ساختارهای مرتبط با گرایش به مدرنیته تلقی می‌شود. فرضیه‌های تحقیق براساس اهداف و با استفاده از نظریه سرمایه اجتماعی بوردیو تدوین شده‌اند.



شکل (۱) مدل نظری تحقیق

روش شناسی

روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی بود و بر اساس هدف کاربردی، بر اساس روش گردآوری اطلاعات، میدانی و بر اساس نوع داده ها، کمی و بر اساس زمان انجام تحقیق، مقطعی و از نظر وسعت پهنانگر است. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۱ نفر تعیین شد و از میان شهروندان ساکن در شهر گرگان به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب، بر اساس نقشه بلوکهای شهری، نمونه ها انتخاب و اطلاعات جمع آوری شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود و اعتبار ابزار با استفاده از اعتبار محتوایی از نوع صوری^۱ و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات در سطح توصیفی و تحلیلی از روشهای آماری متناسب با سطح سنجش متغیرها استفاده شد. برای مقایسه میانگینها از آزمون t-test و F و برای سنجش رابطه ها از ضریب همبستگی پیرسون برای داده های فاصله ای و اسپیرمن برای داده های ترتیبی، و برای شناسایی تأثیر همزمان ابعاد و مؤلفه های

^۱ . Face Validity

۳۴... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال شانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

سرمایه اجتماعی بر گرایش به مدرنیته از رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شد. پردازش و تحلیل داده‌ها در بخش آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نرم افزار لیزرل انجام گرفت.

یافته‌ها

در این قسمت صرفاً جهت آشنایی با ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنیها، فراوانی مربوط به چهار ویژگی جنس، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و رشته تحصیلی پاسخگویان در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول (۱): فراوانی گروه‌های جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و رشته تحصیلی

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت		
زن	۱۸۲	۴۵/۴
مرد	۲۱۹	۵۴/۶
	۴۰۱	۱۰۰
وضعیت تأهل		
مجرد	۸۷	۲۱/۷
متاهل	۲۲۳	۵۵/۶
بدون همسر به دلیل طلاق	۵۷	۱۴/۲
بدون همسر به دلیل فوت	۳۴	۸/۵
	۴۰۱	۱۰۰
سطح تحصیلات		
زیر دیپلم	۳۴	۸/۵
دیپلم	۱۱۹	۲۹/۷
فوق دیپلم	۵۶	۱۴/۰
کارشناسی	۱۲۹	۳۲/۲
کارشناسی ارشد و بالاتر	۶۳	۱۵/۷
	۴۰۱	۱۰۰
رشته تحصیلی		
حوزه علوم انسانی	۱۳۳	۳۳/۲
حوزه علوم پایه	۴۳	۱۰/۷
حوزه علوم کشاورزی و منابع طبیعی	۴۰	۱۰
حوزه علوم فنی و مهندسی	۵۹	۱۴/۷
حوزه علوم پزشکی و بهداشت	۲۹	۷/۲
حوزه هنر و معماری	۲۱	۵/۲
سایر رشته‌های تحصیلی	۷۶	۱۹
جمع کل	۴۰۱	۱۰۰

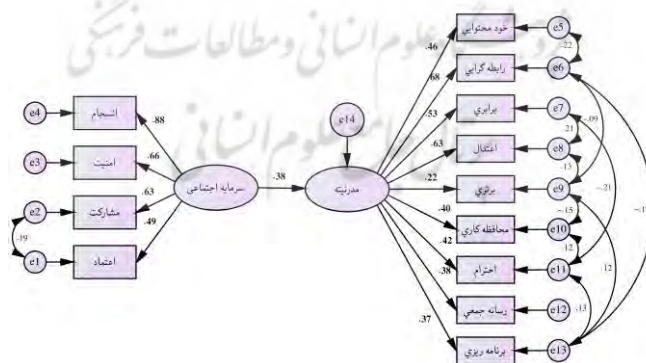
رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته (مورد مطالعه: شهروندان گرگان)..... ۳۵

طبق جدول شماره (۱) از میان ۴۰۱ نفر پاسخ‌دهنده به پرسشنامه از لحاظ جنسیت، ۴۵.۴ درصد زن و ۵۴.۶ درصد مرد بوده‌اند، از لحاظ وضعیت تاهل، ۲۱.۷ درصد مجرد، ۵۵.۶ درصد متأهل، ۱۴.۲ درصد بدون همسر به دلیل طلاق و ۸.۵ درصد بدون همسر به دلیل فوت بوده‌اند، از لحاظ میزان تحصیلات، ۸.۵ درصد زیر دیپلم، ۲۹.۷ درصد دیپلم، ۱۴ درصد فوق دیپلم، ۳۲.۲ درصد کارشناسی و ۱۵.۷ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر بوده‌اند و همچنین از لحاظ رشته تحصیلی، ۳۳.۲ درصد در حوزه علوم انسانی، ۱۰.۷ درصد در حوزه علوم پایه، ۱۰ درصد در حوزه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۴.۷ درصد در حوزه علوم فنی و مهندسی، ۷.۲ درصد در حوزه علوم پزشکی و بهداشت، ۵.۲ درصد در حوزه هنر و معماری و ۱۹ درصد در سایر رشته تحصیلی، تحصیل کرده‌اند. در ادامه به داده‌های حاصل از تحقیق در مورد فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

فرضیه اصلی: "بین سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته رابطه وجود دارد".

جدول (۲): ضرایب استاندارد و غیراستاندارد و آزمون معنی داری آنها برای مدل فرضیه فرعی

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	آماره تی	خطای برآورد	مقدار احتمال	نتیجه
سرمایه اجتماعی	مدرنیته	۰/۳۸۰	۰/۲۴۴	۴/۵۰۲	۰/۰۵۴	<۰/۰۰۱	معنی دار
اعتماد	مدرنیته	۰/۴۸۵	۱/۰۰۰	۶/۱۲۳	۰/۰۸۷	<۰/۰۰۱	معنی دار
مشارکت	مدرنیته	۰/۶۲۸	۱/۴۸۴	۹/۰۸۲	۰/۱۶۳	<۰/۰۰۱	معنی دار
امنیت	مدرنیته	۰/۶۵۸	۱/۳۷۹	۸/۳۴۹	۰/۱۶۵	<۰/۰۰۱	معنی دار
انسجام	مدرنیته	۰/۸۸	۱/۱۷۴	۸/۴۱۷	۰/۱۳۹	<۰/۰۰۱	معنی دار



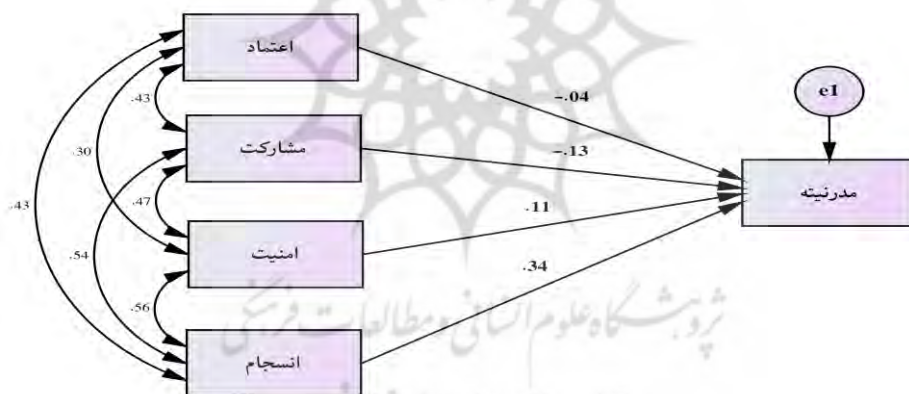
شکل (۲): تخمین استاندارد مدل برای فرضیه اصلی

همان‌طور که از جدول فوق مشخص است، سرمایه اجتماعی تأثیر معنی‌دار بر روی مدرنیته دارد، می‌توان دریافت که متغیر انسجام، مهم‌ترین عامل در تعیین سرمایه اجتماعی و رابطه‌گرایی مهم‌ترین عامل در تعیین مدرنیته است.

فرضیه‌های فرعی:

- بین انسجام اجتماعی با گرایش به مدرنیته رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی با گرایش به مدرنیته رابطه وجود دارد.
- بین امنیت اجتماعی با گرایش به مدرنیته رابطه وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی با گرایش به مدرنیته رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیرهای مستقل در فرضیه‌های فرعی متغیرهای مربوط به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند، مدل در نظر گرفته شده برای این فرضیات در حالت برآورد ضرایب استاندارد به صورت زیر است:



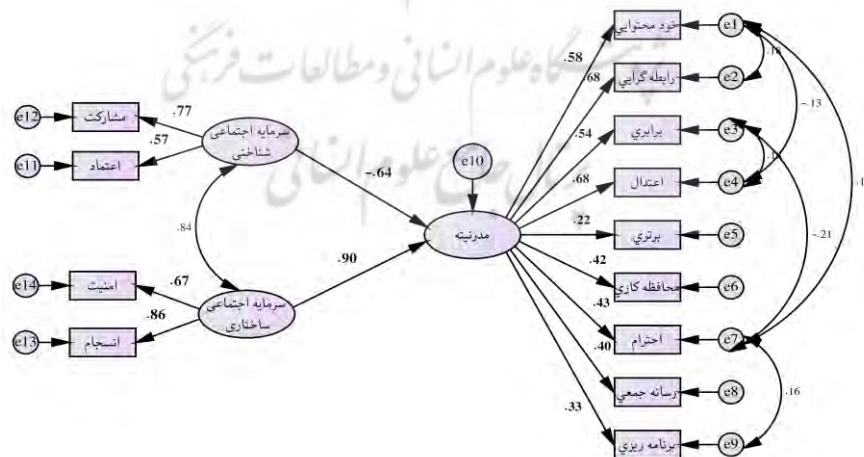
شکل (۳): مدل تحلیل مسیر در حالت برآورد ضرایب استاندارد برای فرضیات اصلی و فرعی

رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته (مورد مطالعه: شهروندان گرگان).....۳۷

جدول (۳): مقادیر ضریب همبستگی استاندارد و آزمون معنی داری آنها برای مدل فرضیه‌های اصلی و فرعی

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری	نتیجه
۱	سرمایه اجتماعی	مدرنیته	ضریب همبستگی	۰/۳۸۰	۰/۰۰۰	تأثیر معنی دار
۲	اعتماد	مدرنیته	ضریب همبستگی	۰/۴۸۵	۰/۰۰۰	تأثیر معنی دار
۳	مشارکت	مدرنیته	ضریب همبستگی	-۰/۶۲۸	۰/۰۰۰	تأثیر معنی دار
۴	امنیت	مدرنیته	ضریب همبستگی	۰/۶۵۸	۰/۰۰۰	تأثیر معنی دار
۵	انسجام	مدرنیته	ضریب همبستگی	۰/۸۸	۰/۰۰۰	تأثیر معنی دار
۶	سرمایه اجتماعی شناختی	مدرنیته	ضریب همبستگی	-۰/۲۹۳	۰/۰۲۵	تأثیر معنی دار
۷	سرمایه اجتماعی ساختاری	مدرنیته	ضریب همبستگی	۰/۵۴۶	۰/۰۰۱	تأثیر معنی دار

برای تعیین میزان همبستگی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مدرنیته از تحلیل مسیر استفاده شد. تفاوت این مدل تحلیل مسیر با مدل‌های ساختاری در این نکته است که در مدل‌های تحلیل مسیر تمامی متغیرهای حاضر در مدل به صورت مشاهده شده هستند. مدل در نظر گرفته شده برای این فرضیات در حالت برآورد ضرایب استاندارد به صورت فوق می‌باشد همچنین از نتایج جدول فوق مشخص است، متغیرهای مشارکت و انسجام بر روی مدرنیته تأثیر معنی دار دارند، می‌توان دریافت که متغیر انسجام تأثیر بیشتری بر روی مدرنیته دارد. متغیر مشارکت تأثیر معکوس بر روی مدرنیته دارد زیرا ضریب آن مقداری منفی است. نتایج آزمون فرضیه رابطه سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری با گرایش به مدرنیته در مدل و جدول زیر آمده است.



شکل (۴): تخمین استاندارد مدل برای فرضیه فرعی

برای بررسی معنی‌داری روابط می‌توان از آماره تی استفاده کرد که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است.

جدول (۴): ضرایب استاندارد و غیراستاندارد و آزمون معنی‌داری آنها

نتیجه	مقدار احتمال	آماره تی	خطای برآورد	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأثیر معنی‌دار	۰/۰۲۵	-۲/۲۴۳	۰/۱۳	-۰/۲۹۳	-۰/۶۳۶	مدرنیته	سرمایه اجتماعی شناختی
تأثیر معنی‌دار	۰/۰۰۱	۳/۲۶۵	۰/۱۶۷	۰/۵۴۶	۰/۹۰۵	مدرنیته	سرمایه اجتماعی ساختاری

همان‌طور که از جدول فوق مشخص است، سرمایه اجتماعی شناختی و سرمایه اجتماعی ساختاری تأثیر معنی‌دار بر روی مدرنیته دارند. همچنین می‌توان گرفت که سرمایه اجتماعی ساختاری، عامل مهمتری در تعیین مدرنیته است. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی شناختی تأثیر معکوس بر روی مدرنیته دارد.

نتایج سنجش رابطه جنس و سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته در جدول زیر آمده است (جدول ۵).

جدول (۵): ضرایب استاندارد و غیراستاندارد و آزمون معنی‌داری آنها برای بررسی تأثیر جنسیت

جنسیت	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	خطای برآورد	آماره تی	مقدار احتمال	نتیجه
مرد	سرمایه اجتماعی	مدرنیته	۰/۴۰۸	۰/۲۵۷	۰/۰۷۵	۳/۴۵۱	<۰/۰۰۱	معنی‌دار
زن	سرمایه اجتماعی	مدرنیته	۰/۰۸	۰/۰۲۷	۰/۰۴	۰/۶۷۸	۰/۴۹۸	غیر معنی‌دار

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که ضرایب اصلی مدل برای مردان معنی‌دار است، یعنی از دیدگاه مردان سرمایه اجتماعی بر مدرنیته اثر معنی‌دار دارند و میزان تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی نیز بیشتر از سرمایه اقتصادی است. در حالی که برای زنان هیچکدام از ضرایب معنی‌دار نیستند به طور کلی این نتایج نشان می‌دهد که جنسیت بر رابطه بین سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن بر گرایش به مدرنیته تأثیر می‌گذارد و پاسخ به فرضیه تحقیق مثبت است.

رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته (مورد مطالعه: شهروندان گرگان).....۳۹

نتایج سنجش رابطه تحصیلات و سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته در جدول زیر آمده است (جدول ۶).

جدول (۶): ضرایب استاندارد و غیراستاندارد و آزمون معنی داری آنها برای بررسی تاثیر سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	خطای برآورد	آماره تی	مقدار احتمال	نتیجه
زیردیپلم	سرمایه اجتماعی	مدرنیته	-۰/۰۶۱	-۰/۱۱۰	۰/۲۳۷	-۰/۴۶۳	۰/۶۴۳	غیر معنی دار
دیپلم	سرمایه اجتماعی	مدرنیته	۰/۳۲۴	۰/۲۳۶	۰/۱۰۲	۲/۳۲۲	۰/۰۲۰	معنی دار
فوق دیپلم و بالاتر	سرمایه اجتماعی	مدرنیته	۰/۳۰۹	۰/۱۲۸	۰/۰۵۴	۲/۳۵۱	۰/۰۱۹	معنی دار

نتایج جدول فوق نشان می دهد که تاثیر سرمایه اجتماعی از دیدگاه افراد با سطح تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم و بالاتر بر مدرنیته معنی دار است به طور کلی این نتایج نشان می دهد که سطح تحصیلات بر رابطه بین سرمایه اجتماعی و مولفه های آن بر گرایش به مدرنیته تاثیر می گذارد و پاسخ به فرضیه تحقیق مثبت است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق با توجه به یافته ها نشان می دهد که گونه های مختلف خانواده ها در جامعه ایران تحت تاثیر تجددگرایی بوجود آمده و همچنین بین سرمایه اجتماعی و مولفه های آن (اعتماد، مشارکت، امنیت، انسجام) با گرایش به مدرنیته رابطه معنی دار وجود دارد. میزان تاثیر سرمایه اجتماعی بیشتر از سرمایه اقتصادی است. انسجام مهم ترین عامل در تعیین سرمایه اجتماعی و رابطه گرایی مهمترین عامل در تعیین مدرنیته است. نکته حائز اهمیت اینکه، بعد مشارکت از مفهوم سرمایه اجتماعی، تاثیر معکوس بر روی گرایش به مدرنیته دارد و ضریب آن مقداری منفی است. این نتیجه با نتیجه کلی رابطه معنی دار بین سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته در تعارض می باشد. در تبیین و توجیه این نتیجه می توان گفت که در عصر جدید و در جامعه مدرن، مردم به دلایل مختلفی از جمله مادیگرایی، خودخواهی، ترجیح منافع شخصی بر منافع جمعی و ... نسبت به گذشته از احساس تعهد و مسئولیت اجتماعی کمتری برخوردارند، به گونه ای که می توان اصطلاح «بی تفاوتی اجتماعی» را برای این حالت بکار برد. در این شرایط نیاز به امنیت، انسجام و اعتماد متناظر با گرایش و تمایل به مدرنیته محسوب می شود و تعارضی با آن ندارد، در حالیکه به

دلیل ابتلای مردم به عارضه‌ی بیتفاوتی اجتماعی، مشارکت به عنوان نماد گرایش به مدرنیته محسوب نمی‌گردد. به عبارت بهتر شهروندان متمایل به مدرنیته، از درجات بالای امنیت، انسجام و اعتماد برخوردارند در حالیکه به موازات تمایل به مدرنیته، از میزان مشارکت آنان کاسته می‌شود. این پدیده نوظهور قابل تأمل بوده و بر محققان و پژوهشگران آتی است که با بررسی وجود و یا عدم چنین پدیده‌ی با تکرار پژوهشهای مشابه در جامعه آماری مشابه و یا متفاوت، موجبات شفافیت و درستی نتایج تحقیق را فراهم آورند.

همچنین نتایج حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری با گرایش به مدرنیته رابطه معنی دار وجود دارد، و در این زمینه؛ سرمایه اجتماعی ساختاری عامل مهمتری در تعیین تغییرات مدرنیته است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی و سرمایه اجتماعی ساختاری با گرایش به مدرنیته در بین شهروندان گرگان رابطه معنی دار وجود دارد.

علاوه بر این نتیجه اصلی، کنترل متغیرها حاکی از آن است که دو عامل جنسیت و سطح تحصیلات بر رابطه بین سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته تأثیرگذارند. به طوری که در عامل جنسیت رابطه صرفاً برای مردان معنی دار شده است و در عامل سطح تحصیلات رابطه صرفاً برای پاسخگویان بالای دیپلم معنی دار شده است. در تبیین تأثیر جنسیت بر این رابطه، می‌توان گفت که مردان به دلیل برخورداری از موقعیتهای بیشتر اجتماعی و اقتصادی، و نیز تفاوت‌های جنسیتی موجود نظیر تفاوت در دسترسی به منابع اقتصادی و قدرت اجتماعی؛ از میانگین سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار بوده و به همین دلیل شدت رابطه بین سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته در نزد مردان قوی تر از زنان می‌باشد. در مورد تحصیلات نیز شیب شدت ضریب همبستگی حاکی از آن است که با افزایش سطح تحصیلات، شدت رابطه بین سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته افزایش می‌یابد، به طوری که در سطوح پایین تحصیلی رابطه بی معنی بوده در حالیکه در سطوح تحصیلی بالاتر از دیپلم این رابطه معنی دگر شده است. گویی تحصیلات بیشتر با آثاری مانند آگاهی و شناخت بیشتر، موجبات گرایش مردم به مدرنیته را فراهم می‌نماید.

همچنان که در پیشینه پژوهش نقد و بررسی به عمل آمد و نتایج تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده نشان داد، بین سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته رابطه مشخصی وجود دارد به طوری که

رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته (مورد مطالعه: شهروندان گرگان)..... ۴۱

اغلب نتایج حاکی از آن است که رابطه مثبت و معنی داری بین سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته وجود دارد. در این راستا نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات مشابه هم خوانی و سازگاری دارد و تأیید کننده نتایج تحقیقات پیشین و نیز فرضیه های اصلی پژوهش مبنی بر رابطه مثبت و معنی دار بین سرمایه اجتماعی با گرایش مدرنیته می باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش های شکرپیگی (۱۳۸۹)، مرحمتی و ایمان (۱۳۹۲)، فرهمند و دیگران (۱۳۹۳)، رسول زاده و دیگران (۱۳۹۵)، تمنا و صمدی (۱۳۹۵)، غیاث آبادی و دیگران (۱۳۹۶)، امامی و دیگران (۱۳۹۷)، وثوقی و دیگران (۱۳۹۷)، هاشم زهی و اصغری (۱۳۹۸) بابایی فرد و بارانی (۱۳۹۸) و سیراج (۲۰۱۸)، استینهاردت و دلهی (۲۰۲۰)، مطابقت دارد. هر جامعه ای که در جهت توسعه و مدرنیته تلاش می کند باید به گونه ای برنامه ریزی کند تا شاخص های کمی و کیفی توسعه یافتگی را تقویت نماید و شاخص های منفی را تضعیف نماید، گاهی مواقع افزایش شاخص های مثبت و کاهش شاخص های منفی در تعارض قرار می گیرند پس در این صورت باید با توجه به شرایط زمان و مکان اولویت مهمتر را انتخاب نمود. سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته مفهومی است که در سالهای اخیر به عنوان یک مساله جهانی به آن نگرسته شده است، این مفهوم از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و نهادهای بسیاری برای تحقق آن تلاش می نمایند. همچنین از این مفهوم در بسیاری مواقع به عنوان راهبرد مناسب برای کمک به کشورهای در حال توسعه چه به لحاظ اجتماعی و چه به لحاظ مدرنیته، یاد می شود.

بر اساس نتیجه اصلی پژوهش می توان توصیه نمود که در میان شهروندان به منظور تحقق نوسازی فکری و شکل گیری رفتار نوظواهرانه و نوجویانه مبتنی بر اعتدال گرایی و اتکای به عقلانیت در تصمیم گیری و نیز برابری طلبی و آزاد اندیشی همراه با احترام به بزرگان، می بایستی بیش از هر عاملی به سرمایه اجتماعی توجه نمود. بر اساس نتایج حاصل پیشنهاد می گردد:

اثر قابل ملاحظه سرمایه اجتماعی و مؤلفه های اصلی آن به ویژه اعتماد، انسجام و امنیت که در جهت مثبت موجب افزایش گرایش و تمایل به مدرنیته می گردد؛ الزاماتی را در برنامه ریزیهای اجتماعی و اقتصادی دیکته می نماید که توجه به سرمایه اجتماعی را اجتناب ناپذیر می سازد. لذا پیشنهاد می شود به طور خاص در سازمانهای آموزشی مانند دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و نیز نهادها و ارگانهای فرهنگی مانند فرهنگ و ارشاد اسلامی، تبلیغات اسلامی، آموزش و

پرورش، نیروی انتظامی و ... با گسترش آموزش‌های همگانی و عمومی، سطح آگاهی مردم را در زمینه مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، انسجام و امنیت ارتقاء دهند تا با این وسیله موجبات ترویج رفتارهای مثبتی بر عقلانیت و منطق در میان مردم ساری و جاری گردد. فرو کاستن رابطه بین سرمایه اجتماعی با گرایش به مدرنیته در میان زنان، لزوم توجه به گسترش آموزش‌های مرتبط با این موضوع برای زنان را دوجندان می‌نماید. در همین راستا، فراهم کردن موقعیت مناسب برای تمامی افراد و گروه‌های مختلف جامعه جهت استفاده از امکانات متناسب با سطح زندگی و ایجاد رویه امید و زندگی بهتر در سبک زندگی و گرایش به زندگی مدرن و پیشرفته، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و موجبات افزایش قابلیت‌های لازم برای درک مدرنیته توسط شهروندان، طراحی و برنامه‌ریزی لازم برای شرایط بهتر زندگی.

منابع

- اسماعیلی، عبدالله؛ منصوری‌مقدم، منصور؛ سلیمی، رضا (۱۳۹۴). بررسی میزان سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد سرابله در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۴. همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب‌شناسی جامعه.
- استونز، راب. (۱۳۸۷). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، نشر مرکز.
- امامی، پریخ؛ هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ حقیقتیان، منصور (۱۳۹۷). تبیین رابطه مدرنیته و خانواده-گرایی در شهر اصفهان. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱۱(۵)، ۲۲۷-۲۵۱.
- ایمان، محمدتقی، و مرحمتی، ندا. (۱۳۹۳). تبیین جامعه‌شناختی گرایش جوانان به سبک زندگی مدرن در شهر شیراز. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، ش پایانی ۵۵، ش ۳، ۱-۲۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: گام نو، ص ۶۹.
- بوردیو، پیر (۲۰۰۳). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش و نگار، ص ۷.
- تفضلی، فریدون (۱۳۸۵). نظام سرمایه‌داری از دیدگاه کارل مارکس و ماکس وبر. پیک نور، ش ۴، دوره ۲، ۸۰-۹۲.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، ثروت نامرئی، نشریه حیات نوا اقتصادی، ص ۱.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ص ۷۲۵.
- فیروزآبادی، سید احمد؛ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۰۱۳). (سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی و اجتماعی در کلان‌شهر تهران فصلنامه رفاه اجتماع، ی سال ششم، شماره ۲۰، زمستان).

رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش به مدرنیته (مورد مطالعه: شهروندان گرگان).....۴۳

رسول زاده اقدم، صمد؛ افشار، سیمین؛ عدلی پور، صمد؛ میرمحمدتبار، سیداحمد (۱۳۹۵). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری (مورد مطالعه: دانشجویان شهیدمدنی آذربایجان). راهبر اجتماعی فرهنگی، ۵(۲۰)، ۱۰۷-۱۳۵.

چلبی، مسعود. تحلیل شبکه در جامعه شناسی. فصلنامه علوم اجتماعی، تهران، شماره 3 خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۷). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی، مطالعه موردی استان گلستان، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، به راهنمایی: دکتر محمدحسین پناهی. شارع پور، محمود و خوش فر، غلامرضا. (۱۳۸۹). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان: مطالعه موردی شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، ص ۱۳۳-۱۴۷.

شکرپیگی، عالیبه (۱۳۹۰). بررسی گونه شناسی خانوادگی در تبیین علی و مقایسه‌ای تجددگرایی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی (مطالعه موردی شهر تهران)، علوم اجتماعی، ۱(۲۸).

گنجی، محمد، و حیدریان، امین. (۱۳۹۰). سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ (با تأکید بر نظریه های پی‌یر بوردیو و دیوید تراسبی). فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، ش ۷۲، ص ۷۷-۹۷.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰). پیامدهای مدرنیته. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.

غیاث‌آبادی فراهانی، رضا وثوقی، منصور؛ ازکیا، مصطفی؛ (۱۳۹۷). تجددگرایی در شهر و رابطه‌ی آن با اخلاق نوع-دوستانه با شهروندان (مطالعه موردی: جوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله‌ی مشهد. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۸(۲۶)، ۱-۳۰.

فرهمند، مهناز؛ خرم‌پور، یاسین؛ پارساییان، زهره؛ ماندگاری، فرزانه (۱۳۹۳). تأثیر مولفه‌های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد. تحقیقات فرهنگی ایران، ۷(۳)، ۱۴۹-۱۷۷.

ماجدی، سید مسعود و لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۵)، " بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی : مطالعه موردی: در روستاهای استان فارس " ، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، ش ۴، صص ۸۵-۹۲.

هاشم‌زهی، نوروز؛ اصغری، انسیه (۱۳۹۸). جهانی شدن و سرمایه اجتماعی (جامعه مورد مطالعه: شهروندان تهرانی بالای ۲۰ سال). مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۳)، ۱۲۹-۱۴۵.

Siraj, A. S. (2018). Impact of Internet Use on Social Capital: Testing Putnam's Theory of Time Displacement in Urban Pakistan. *Journal of social media in Society*, 7(1), 456-468.

Steinhardt, H., C. & Delahey, J. (2020). Socio-Economic Modernization and the "Crisis of Trust" in China: A Multi-level Analysis of General and Particular Trust. *Social Indicators Research*, 152, 923-949.

Inglehart, R., & Baker, W., E. (2000). Modernization, cultural change, and persistence of traditional values. *American Sociological Review*, 65, 19-51.

Kravchenko S.A. (2008) Modernity: the analysis of theoretical approaches. *Sociology: History, Theory, and Practices*, vol.9, 23-32.

- Inkless, A. and Smith, D. H. (1976), *Becoming Modern: Individual Change in Six Developing Countries*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Marx, Karl (1977). *Grundrisse*. Harmondsworth: Penguin.
- 28-Bourdieu, P. (19۸۶). *Sociology of Literature*. (Y. Abazary, Trans.). Arghanoon. 9-10, 76-112. (In Persian)
- Patel, N., Power, T. G., & Bhavnagar, N. P. (1996). Socialization values and practices of Indian immigrant parents: Correlates of modernity and acculturation. *Child Development*, 67-313.

